

**بررسی تأثیر اندیشه تجدد بر تعامل روشنفکران و کارگزاران
حکومتی در دوره پهلوی اول**

مؤلف

سعید نیازی

انتشارات جوهر حیات ۱۴۰۱

سرشناسه	:	نیازی، سعید، ۱۳۷۱
عنوان و نام پدیدآور	:	بررسی تأثیر اندیشه تجدد بر تعامل روشنفکران و کارگزاران حکومتی در دوره پهلوی اول / مؤلف سعید نیازی؛ ویراستار ادبی محسن مکرمی.
مشخصات نشر	:	ایلام: جوهر حیات، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۸ ص.
شابک	:	978-622-5988-02-6
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	کارگزاران-- پهلوی -- ایران
موضوع	:	Brokers - Pahlavi - Iran
موضوع	:	روشنفکران- اندیشه و حکومت -- ایران
موضوع	:	Intellectuals - Thought and Government - Iran
شناسه افزوده	:	مکرمی، محسن، ۱۳۴۲
رده بندی کنگره	:	DSR۱۶۸۶
رده بندی دیویی	:	۵۵۲۴/۳۲۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۹۹۴۵۳۷



عنوان اثر:	بررسی تأثیر اندیشه تجدد بر تعامل روشنفکران و کارگزاران حکومتی در دوره پهلوی اول
مؤلف	سعید نیازی
سال چاپ اول	۱۴۰۱
ویراستار ادبی	محسن مکرمی
شمارگان	۱۰۰۰
ناشر	جوهر حیات
صفحه آرای	محسن مکرمی
طراح جلد	محسن مکرمی
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۵۹۸۸-۰۲-۶
قیمت :	۴۸ هزار تومان

آدرس ناشر ایلام - بلوار دانشجو، روبروی دانشگاه پیام نور، پاساژ آریان

تلفن: ۰۹۱۸۳۴۲۱۹۵۱ - ۰۳۴۲۲۰۳۸۶۳ - ۰۹۳۰۸۴۰۲۵۱۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
فصل اول: چارچوب نظری تحقیق	
۱۷	اصالت ساختار
۲۰	اصالت کارگزار
۲۲	تعامل ساختار - کارگزار (ساخت یابی)
فصل دوم: سیر تحول تاریخی روشنفکران در ایران	
۳۵	معنای لغوی
۳۸	معنای خاص
۳۹	معنای احص
۴۰	معنای منفی
۴۲	خاستگاه روشن فکری
۴۶	تقسیمات مختلف روشن فکر
۴۶	روشنفکر لیبرال و مارکسیست
۴۷	روشن فکر دینی و سکولار
۴۹	سیر تاریخی نقش و جایگاه روشنفکران در ایران
۵۰	دوره آغازین تمدن ایران باستان
۵۱	تمدن کلاسیک ایران باستان
۵۳	تمدن کلاسیک ایران پس از اسلام
۵۷	الف: نگاهی کوتاه به ایران قاجاری در عهد ناصرالدین شاه
۶۳	ب: تحلیلی کلی نقش و جایگاه روشنفکران در دوره قاجار
۶۵	ج) اعزام دانشجو به خارج

۶۶		د) رفت و آمد تجار و سیاستمداران
۶۹		ه) ترجمه کتب خارجی
۷۱		و) تیپولوژی نخبگان و روشنفکران
۷۶		غرب زدگی شبه مدرن در ایران

فصل سوم: تأثیر تجدید بر تعامل روشنفکران و کارگزاران حکومتی در دوره

رضاشاه

۸۵		مقدمه
۸۷		ویژگی های عمومی دوره رضاشاهی
۸۹		ویژگی های کلی روشنفکری دوره رضاشاه
۹۲		مهم ترین چهره های جریان روشنفکری در دوره پهلوی
۹۲		سلیمان میرزا اسکندری
۹۳		محمد علی فروغی
۹۵		حسن تقی زاده
۹۶		احمد کسروی
۹۸		عبدالحسین تیمورتاش
۱۰۰		علی اکبر داور
۱۰۲		علی دشتی
۱۰۸		حسن پیرنیا
۱۰۹		احمد متین دفتری
۱۱۰		ذبیح بهروز
۱۱۱		ابراهیم پورداوود
۱۱۳		نصرت الدوله فیروز
۱۱۴		حسین کاظم زاده ایرانشهر

مقدمه

تردیدی در این مساله نیست که هر ایده اصلاحی نیازمند نهادهای پشتیبانی کننده‌ای است که بتوانند آن ایده‌ها را به مرحله عمل درآورند؛ در جوامعی مثل ایران، به واسطه خلأ ناشی از نهادهای مدنی، این پشتیبانی را نظام سیاسی بر عهده دارد؛ در واقع نوسازی و طی پروسه مدرنیزاسیون باید از بالا انجام گرفته و به تعبیری جامعه در چنین شرایطی باید به مدرنیسم آمرانه تن دهد چند سالی از جنبش مشروطیت نگذشته بود که ایران زمین درگیر هرج و مرج و آشوب‌های منطقه‌ای شد؛ اشغال ایران توسط متفقین و دریافت وام‌های سنگین و عدم بازپرداخت آن زمینه را برای حضور خارجی‌ها آماده ساخت. تشکیل و تبعاً سقوط پی در پی کابینه‌های ضعیف در دوره اواخر قاجار و از سوی دیگر قدرت یافتن یاغیان و همچنین بروز بیماری‌های واگیردار اوضاع را وخیم تر ساخت. آشفتگی اجتماعی از یک طرف اهداف نوگرایانه‌ی مشروطه را به حالت تعلیق درآورد و از طرف دیگر موجب شد تا در میان نخبگان، نوعی ملیت‌خواهی و ناسیونالیسم ایرانی که پیش از مشروطیت مطرح شده بود، تقویت شود؛ به همین دلیل اذهان اندیشمندان و کنشگران ایرانی معطوف به راه حلی دوسویه شد: اول این که در ساختارهای عملی خواهان تشکیل دولت نیرومند و متمرکزی شدند که آشفتگی را به پایان رساند. دوم این که در گفتمان فرهنگی به ایرانیگری و هویت ملی توجه یافتند. که با وقوع کودتای ۱۲۹۹ و بعد از آن انتقال قدرت از قاجارها به پهلوی این آشفتگی‌ها تا حدی سامان یافت. در حوزه‌ی فرهنگی، ایده‌های مدرنی که منورالفکران عصر پیش از مشروطه مطرح کرده بودند، به شکل باستانگرایی و آموزه‌های ناسیونالیستی در سه

سطح: الف) ادبیات، ب) اندیشه‌ی سیاسی و ج) تاریخ‌نگاری، فرصت بروز یافت. در چنین اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی بود که اندیشمندان و کنشگران سیاسی در یک همسویی کارکردگرایانه توانستند با نهادینه کردن دولت ملی و متمرکز رضاشاه بر آشفته‌نگی اجتماعی غالب آمده و مسائل فرهنگی را با رویکرد مدرن به دوره‌ی باستان به راه‌حلی منطقی و اندیشیده نزدیک کنند؛ با شکل‌گیری دولت ملی، یاغیان منطقه‌ای از بین رفتند؛ سرحدات ملی - جغرافیایی ایران به آرامش رسید؛ ساختارهای سیاسی تثبیت شدند؛ نهادهای مدنی شکل گرفتند؛ بعد از کودتایی که انگلیسی‌ها به منظور حفظ منافع استعماری خود در ایران به انجام رساندند رضاخان روی کار آمد. روشنفکران، رضاخان را که دارای شخصیتی مستبد و خودخواه بود را برای اهداف خود مناسب می‌دیدند به همین دلیل به سوی او جذب شدند؛ از آنجا که تجدید عظمت ایران پس از مشروطه به آزمایی ملی تبدیل شده بود، رضاخان با تمسک به این آرمان خواهی توانست در قالب حکومتی که به ظاهر پیام آور چنین استقلال و عظمتی است در صحنه ظاهر گردد و با تکیه بر ناسیونالیسم، به صورت ظاهر به بیگانه ستیزی و ابراز تنفر از هر گونه رسم و رسوم و فرهنگ غیر ایرانی پردازد؛ بدین سان دوران رضاخان را می‌توان بهترین دوران برای به کرسی نشاندن افکار و نظریات روشنفکران دانست؛ زیرا رضاخان با تکیه بر ایرانی بودن و برخورد خشن و خصمانه خود با دین و دیانت و عقاید دینی، بستر مناسبی را برای رشد و تکثیر افکار آنان به وجود آورد، به گونه‌ای که دیگر نیاز نبود که روشنفکران این دوره مانند بعضی از روشنفکران عصر قاجار با چاپ مجلات و نشریات در خارج ایران، با افکار دینی و عقاید مذهبی در افتاده، آن‌ها را به باد استهزاء و مسخره بگیرند، بلکه در داخل کشور با گرفتن امتیاز و پروانه نشر از وزارت معارف، به فعالیت می‌پرداختند؛ رضا شاه زمانی که داشت به تحکیم قدرت خود می‌پرداخت، از محبوبیت گسترده‌ای برخوردار بود. او با حمایتی که از روشنفکران می‌کرد از دستگاه دولت دین زدایی کرد، و علما را از برخی حوزه‌های

نفوذ و درآمد سنتی خود، مانند تعلیم و تربیت و قدرت قضایی، برکنار کرد، و سعی نمود تا آنان را در نظام اداری جدید جذب کند. از سوی دیگر مبارزه او با جریان‌های تندرو در میان روشنفکران، بویژه ایدئولوژی سوسیالیستی و مارکسیستی، مورد حمایت علما قرار گرفت. رضا شاه بعدها توانست با سیاست علما و روشنفکران را در مقابل یکدیگر قرار داده و بدین ترتیب بر دامنه قدرت خود بیفزاید. به این ترتیب اگر بخواهیم مختصات روشنفکران این دوره را ذکر کنیم باید از موارد زیر یاد کرد: انزوای روشنفکری، سعی در به منصف ظهور رساندن ادبیات اجتماعی، گسست روشن‌فکران از زیست‌جهان سنتی، توجه به ایجاد مظاهر تمدن، تلاش برای تاسیس دانشگاه تهران بود. مطالعه جریان روشن‌فکری نسل سوم، نشان می‌دهد که اختناق حاکم بر این دوره، امکان هرگونه تعامل روشن‌فکران با حوزه عمومی را از آن‌ها سلب می‌کرد. گفتمان انتقادی که مشخصه عقلانیت ارتباطی است، در این دوره وجود نداشت و روشن‌فکران این دوره گرفتار حس نوستالژی بودند. آن‌ها به طور غیرمستقیم از بی‌ریشگی هویت ایرانی در این دوره شکایت و وضع مطلوب را در بازگشت به گذشته جست‌وجو می‌کردند. به نظر می‌رسد که ارزیابی‌های انتقادی پرکنده و نه مستمر در جریان روشن‌فکری این دوره و ریشه نگرفتن گفتمان انتقادی در جریان روشن‌فکری، مانع ترسیم طرحی شد که می‌باید به چستی‌ها و چگونگی وضعیت مطلوب نسبت به وضعیت موجود پاسخ می‌داد.